

معتقدند توافق بسیار خوبی است. از این موضوع قدردانی می‌کنیم و با ایران همکاری خواهیم کرد.» همان روز، او بار دیگر در در کنفرانس خبری مشترک با الکساندر استاب، رئیس‌جمهور فنلاند با اشاره به اینکه تهران از طرح صلح غزه حمایت می‌کند، گفت: «تهران ممنون!» ترامپ پیش از اعلام آتش‌بس نیز به نقش ایران اشاره کرده‌بود و گفته‌بود: «ما حتی یک سیگنال داریم، یک سیگنال بسیار قوی، همانطور که می‌دانید از طرف ایران. آنها علاقه‌مند هستند که این [توافق] به نتیجه برسد.»

اجتناب از تکرار جنگ

شاید مهم‌ترین اولویت فعلی تهران اجتناب از تکرار جنگ باشد. آتش‌بس غزه می‌تواند شرایط متناقضی را در منطقه ایجاد کند. از یک طرف این نگرانی وجود دارد که به گفته ولایتی، آتش‌بس در غزه مقدمه شکستن آتش‌بس در نقطه‌ای دیگر باشد. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که استمرار دوساله جنگ غزه به‌رغم فشارهای بین‌المللی و کاهش مستمر حمایت از اسرائیل در عرصه جهانی، ناشی از نیاز بنیامین نتانیاهو به جنگ برای استمرار حیات سیاسی‌اش بود. شکست اطلاعاتی و امنیتی در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که باعث توقیف حماس در عبور از حصارهای غزه و اسیر کردن ده‌ها اسرائیلی از جمله تعداد زیادی سرباز ارتش بود، قطعاً با فروکش کردن شعله‌های جنگ باعث بازخواست نتانیاهو در افکار عمومی و عرصه سیاسی اسرائیل خواهد شد. شکست‌های اطلاعاتی و امنیتی کوچک‌تر در سال ۱۹۷۳ باعث فروپاشی دولت گلدا مایر و بازخواست از موشه دایان، وزیر جنگ وقت اسرائیل شده‌بود. در عین حال نتانیاهو درگیر فرآیند رسیدگی به پرونده فساد مالی و سیاسی است که تاکنون به دلیل استمرار جنگ به کندی پیش رفته‌بود. از طرف دیگر، عقب‌نشینی از غزه و ناکام ماندن در رسیدن به اهداف اعلام‌شده جنگ، از جمله نابودی کامل حماس باعث ایجاد شکاف در ائتلاف راست افراطی حاکم در اسرائیل خواهد شد و وزرای تندرویی مانند ایتamar بن‌گوییر و بتسلئیل اسموتیچ که تاکنون با هدف اشغال کامل غزه و ضمیمه‌سازی این باریکه از نتانیاهو حمایت کرده‌بودند، ممکن است با جدایی از ائتلاف حاکم باعث سقوط دولت و برگزاری انتخابات زود هنگام شوند. به همین دلایل اسرائیل ممکن است در صورت استمرار تعهد به آتش‌بس در غزه، به دنبال جایگزینی برای جنگ غزه باشد تا بتواند از این طریق به نظامی‌گری و کنترل اوضاع سیاست داخلی ادامه دهد.

هر چند ریسک ورود به یک منازعه مستقیم بلندمدت با ایران برای اسرائیل بسیار زیاد است، اما انتخاب حمله به نقاط دیگر منطقه برای آسیب رساندن به متحدان ایران و یا تلاش برای وارد کردن آمریکا به یک جنگ طولانی‌مدت با ایران، همچنان یکی از گزینه‌های نتانیاهو برای حفظ جایگاه سیاسی خود در اسرائیل خواهد بود. بلافاصله پس از اعلام آتش‌بس در غزه، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه که هم با تهران و هم با تل‌آویو رابطه بسیار نزدیکی دارد، ادعا کرد که رهبران اسرائیل به او اطمینان داده‌اند که به دنبال «رویارویی» مجدد با ایران نیستند.

ولادیمیر پوتین، در حاشیه اجلاس کشورهای مستقل همسود (CIS) گفت: «ما تماس‌های صادقانه و مبتنی بر اعتماد با اسرائیل داریم و از رهبران این کشور پیام‌هایی دریافت کرده‌ایم که خواسته‌اند به دوستان ایرانی‌مان منتقل کنیم که اسرائیل تمایلی به رویارویی ندارد و به مسیر حل‌وفصل مسائل متعهد است.» سیدعباس عراقچی در گفت‌وگوی تلویزیونی خود در مورد این اظهارنظر رئیس‌جمهوری روسیه گفت: «ظاهراً سه یا چهار شب پیش یک تماس تلفنی بین نتانیاهو و آقای پوتین برقرار شد. صبح روز بعد سفیر ما را به ریاست‌جمهوری دعوت کردند و همین مطالب از سوسی روس‌ها به ما منتقل شد؛ به‌طوری که گفته شده بود نتانیاهو تأکید کرده قصد جنگ یا درگیری مجدد با ایران را ندارد. این مطلب توسط دوستان روس به ما منتقل شد و سپس پوتین آن را به شکل علنی منتشر کرد.»

با این حال عراقچی احتمال فریب در این پیام‌ها را رد نکرد و گفت: «امکان فریب و فریبکاری در رژیم صهیونیستی بسیار بالاست و احتمال دارد اعلان‌هایی از این دست به‌منظور فریب مطرح شوند.» این اظهارات عراقچی در کنار اظهارات علی‌اکبر ولایتی نشان می‌دهد که همچنان نگرانی از تکرار جنگ در میان مقام‌های ارشد سیاسی ایران جدی است. در واکنش به این شرایط، ایران باید بتواند در عرصه بین‌المللی شرایطی ایجاد کند که از تکرار جنگ جلوگیری کند. حفظ فشار جهانی به اسرائیل برای جلوگیری از استمرار نظامی‌گری تنها در شرایطی امکان‌پذیر است که ایران بتواند گفت‌وگوها و تعامل سازنده‌ای با مهم‌ترین حامیان اسرائیل داشته‌باشد تا بتواند فشار را بر دولت نتانیاهو برای خودداری از آتش‌افروزی جدید در منطقه حفظ کند. پس از تجاوز نظامی خردادماه اسرائیل به ایران و پس از آن در خواست سه قدرت اروپایی طرف بر جام برای بازگشت قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت، تماس‌های ایران با کشورهای اروپایی و آمریکا تقریباً قطع شده‌است و هیچ مذاکره مستقیم و غیرمستقیمی در جریان نیست. در شرایطی که قدرت‌های اروپایی و آمریکا اصلی‌ترین حامیان سیاسی و نظامی اسرائیل محسوب

می‌شوند، فقدان ارتباط ایران با این قدرت‌ها باعث خواهد شد تا پیام‌رسانی لازم به طرف‌های غربی برای حفظ فشار بر اسرائیل برای اجتناب از افزایش تنش صورت نگیرد. تهران برای تضمین اینکه قدرت‌های غربی در صورت اراده نتانیاهو برای آتش‌افروزی جدید چراغ سبز به او نشان ندهند، باید تلاش کند که خود را از قالب یک تهدید یا نگرانی برای غرب خارج کند. برای چنین منظوری ضروری است که تهران تلاش‌هایی را برای حل اختلاف‌های طولانی‌مدت با غرب در قالب توافقی مذاکره‌شده آماده کند. با این حال هنوز نشانه آشکاری از تمایل تهران برای تعامل با غرب وجود ندارد. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در مصاحبه شنبه‌شب خود با صداوسیم‌ا تأکید کرد که «مذاکره با آمریکا در شرایط فعلی به بن‌بست می‌رسد» و «منطقی برای مذاکره با اروپا وجود ندارد.» عراقچی در این مصاحبه تأکید کرد که اساساً مفهوم «مذاکره جامع» را درک نمی‌کند و تهران در حال حاضر آمادگی ندارد در موضوعی به جز پرونده هسته‌ای وارد مذاکره با غرب شود.

همسویی با منطقه

موج نفرت از جنایات رژیم اسرائیل در جنگ دوساله غزه باعث شد تا موضوع فلسطین بار دیگر به یکی از دستورکارهای اولویت‌دار بین‌المللی تبدیل شود. از ابتدای سال جاری موج جدیدی از کشورهای جهان به نهضت شناسایی کشور فلسطین پیوسته‌اند و هم‌زمان با اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، قطعنامه‌ای با ابتکار مشترک فرانسه و عربستان سعودی به مجمع عمومی رسید که تشکیل کشور فلسطینی و راهکار دودولتی را به عنوان راه‌حل پایان منازعه ۸ دهه‌ای خاورمیانه مورد تأکید قرار می‌داد. بیش از ۱۵۰ کشور جهان به این طرح رای مثبت دادند و چندین کشور اروپایی در طول سه ماه گذشته رسماً اعلام کرده‌اند که کشور فلسطینی را به رسمیت می‌شناسند. این موج جهانی حمایت از تشکیل کشور فلسطینی باعث این امیدواری برای تشکیل کشور فلسطینی و حل و فصل نسبی مسئله فلسطین شده‌است. هم‌زمان با این موج، طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ برای آتش‌بس غزه، نخستین طرح جدی دولت آمریکا در طول نزدیک به دو دهه گذشته است که می‌تواند به تشکیل یک حاکمیت جدید در سرزمین‌های فلسطینی تحت حمایت بین‌المللی تبدیل شود. حضور فعال ترکیه، مصر و قطر در مذاکرات آتش‌بس غزه در طول هفته گذشته، نشان می‌دهد که حمایت عمومی از این طرح در میان طرف‌های عربی برخوردار است. اجرای کامل این طرح نیازمند مشارکت گسترده کشورهای منطقه در اداره و بازسازی غزه است و اگر آتش‌بس دوام بیاورد، مسلماً کشورهای عربی منطقه بیش از پیش در فرآیند ایجاد سازوکار حاکمیتی در غزه درگیر خواهند شد.

ایران ترجیح داد در رای‌گیری برای قطعنامه بیانیه نیویورک برای تشکیل کشور فلسطینی غیبت کند و در مورد طرح ترامپ هم تأکید کرده‌است که از هر تصمیم گروه‌های فلسطینی و مقاومت حمایت می‌کند. اما موضع ایران در استمرار این روند کمک خواهد کرد که تهران حضور پررنگ‌تری در پویایی‌های منطقه‌ای پیدا کند. موضع‌گیری حمایت از «حق تعیین سرنوشت فلسطینیان» و پذیرش بلاقید و شرط موضع گروه‌های مقاومت فلسطینی، در ادامه این فرآیند هم می‌تواند به موضع ثابت و رسمی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شود. سیدعباس عراقچی در خصوص حمایت ایران از آتش‌بس غزه تأکید کرد: «مقاومت خود تصمیم گرفته این آتش‌بس را بپذیرد و به هر حال، این تصمیم متعلق به مردم فلسطین است و هیچ‌کس نمی‌تواند به جای آنان تصمیم بگیرد.»

تهران در ادامه مسیر هم می‌تواند همگام با مقاومت فلسطینی در خصوص آینده آتش‌بس در غزه و احتمال تشکیل کشور فلسطینی موضع‌گیری کند. تلاش ایران برای گام برداشتن جلوتر از گروه‌های مقاومت فلسطینی ممکن است باعث شود که بار دیگر انگشت اتهام به عنوان مانع صلح در خاورمیانه را به سمت ایران منحرف کند. در شرایطی که بخش بزرگی از دولت‌های جهان و افکار عمومی به اضافه کشورهای عربی منطقه در دو سال گذشته به این نتیجه رسیده‌اند که مانع اصلی صلح و آرامش در خاورمیانه اسرائیل است، اگر ایران بهانه‌ای در اختیار رقب‌ا و دشمنان قرار دهد که بتوانند ایران را مانع صلح و آتش‌بس معرفی کنند، آنگاه ممکن است بار دیگر اسرائیل بتواند با استفاده از چنین فرصتی به قربانی‌نمایی در سطح افکار عمومی جهان دست بزند و ایران را به مانع‌تراشی برای صلح متهم کند.

سیدهاده‌ی برهانی، استاد مطالعات اسرائیل در گفت‌وگویی با هم‌میهن تأکید می‌کند که ایران می‌تواند حمایت از تشکیل کشور فلسطین در هر بخشی از سرزمین‌های اشغالی را در قالب تلاش برای «مشارکت در اجماع جهان اسلام» یا در قالب «پیروزی از نظر گروه‌های مقاومت فلسطینی» توجیه کند و از این طریق خود را به عنوان یک هویت تسهیل‌کننده در حفظ صلح و ثبات منطقه معرفی کند. این موضع‌گیری به معنای دست برداشتن از مواضع اصولی ایران در خصوص ماهیت اسرائیل نیست، بلکه تنها راهکاری برای حفظ منافع ملی ایران در کنار تسهیل رسیدن ملت فلسطین به بخشی از مطالباتش خواهد بود.

تشکر گروه‌های مقاومت از ایران

علاوه بر دونالد ترامپ، گروه‌های مقاومت فلسطینی نیز از مواضع ایران در طول دو سال جنگ غزه قدردانی کرده‌اند. حماس و جهاد اسلامی در بیانیه‌ای مشترک که روز شنبه منتشر شد، از ایران و دیگر کشورهای محور مقاومت و همچنین کشورهای مسلمان میانجی مذاکرات تشکر کردند. در این بیانیه آمده‌است: «ما با افتخار به جبهه‌های حمایت در یمن، لبنان، جمهوری اسلامی ایران و عراق که در کنار مردم ما و مقاومتشان ایستادند و در راه قدس و الاقصی شهید دادند، درود می‌فرستیم و آنها را گرامی می‌داریم. ما از تلاش‌های برادران میانجیگر (مصر، قطر، ترکیه) و همه کسانی که از این مسیر حمایت کردند، عمیقاً قدردانی می‌کنیم.»

خلیل الحیه، رئیس هیئت مذاکره‌کننده حماس نیز روز جمعه در سخنرانی تلویزیونی از ایران و کشورهایی که از مقاومت غزه حمایت کردند، تشکر کرده‌بود. الحیه گفت: «از سوسی میانجی‌گران و دولت آمریکا تضمین‌هایی دریافت کردیم و همه آنها گفتند که جنگ به صورت کامل تمام شده است. مراتب قدردانی خود را از تمام طرف‌هایی که از مبارزات ما حمایت کردند از یمن گرفته تا لبنان، عراق و ایران اعلام می‌کنیم. ما از هیچ تلاشی برای توقف جنگ در غزه فروگذار نکردیم.» با این حال گروهی از تحلیل‌گران حمایت ایران از توافق را نه مسئله‌ای از روی رغبت و تمایل، بلکه اقدامی ناشی از ناچاری و ناگزیری تلقی کرده‌اند. احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر مسائل بین‌الملل در مورد این توافق می‌نویسد: «مسئله اصلی برای ما ایرانیان این است که طرف توافق، گروه اسلام‌گرایی است که جمهوری اسلامی آن را بخشی از محور مقاومت و نماینده نگرش خاص خود به مسئله فلسطین می‌داند. از همین رو، مخالفت علنی با توافق حماس عملاً امکان ندارد و به ناچار باید با آن کنار بیاید.» ایران تا پیش از بیانیه روز یک‌شنبه هفته گذشته، موضع‌گیری رسمی در مورد طرح آتش‌بس غزه نکرده‌بود. پایگاه تحلیلی امواج‌مدیا با اشاره به بسکوت ایران و ابهام در مورد موضع ایران تا پیش از بیانیه رسمی روز یک‌شنبه می‌نویسد: «این ابهام می‌تواند به چند دلیل باشد: حفظ اهرم در سیاست مقاومت فلسطینی، اجتناب از انزوای دیپلماتیک در جریان تحول ائتلاف‌ها و تغییر موضع کشورهای منطقه و همچنین حفظ امکان مانور در آینده.»

بیرون ماندن تهران از دخالت مستقیم در آتش‌بس

برخی از تحلیل‌گران، آتش‌بس غزه بدون حضور مستقیم ایران را یک ناکامی برای سیاست منطقه‌ای تهران می‌دانند. هر چند آتش‌بس غزه همچنان شکننده است و ناظران به‌ویژه در تهران با احتیاط نگران این هستند که اسرائیل پس از دست یافتن به آسرای زنده و اجساد آسرای باقیمانده خود بار دیگر جنگ در غزه را از سر بگیرد، اما این احساس وجود دارد که ایران و متحدان منطقه‌ای‌اش نقش تعیین‌کننده‌ای در توافق آتش‌بس نداشتند. پایگاه تحلیلی المانیتور در گزارشی می‌نویسد: «هرچند ایران مدت مدیدی خود را پیش‌تاز مقاومت فلسطینی معرفی می‌کرد، مذاکرات آتش‌بس از طریق میانجی‌های مصری، قطری، ترکیه‌ای و دیگر کشورهای عربی انجام شد و ایران به وضوح از مذاکرات کنار ماند.»

به نوشته‌این پایگاه خبری آمریکایی: «محتوای پیام رسانه‌های دولتی ایران نکته‌ای را روشن می‌کند. ایران هرچند به صورت رسمی از توقف درگیری‌ها حمایت می‌کند، در عین حال می‌خواهد که این منازعه را توجیهی برای حضور شبکه راهبردی گروه‌های نیابتی، ائتلاف‌ها و گروه‌های مقاومت در سراسر منطقه نشان دهد. روایت تهران بر این مبنا است که به‌رغم برتری نظامی اسرائیل، حماس و گروه‌های دیگر فلسطینی با موفقیت در مقابل اسرائیل مقاومت کردند و جایگاه ایران را به عنوان حامی مقاومت علیه اسرائیل مورد تأکید قرار می‌دهند.»

المانیتور ادامه می‌دهد: «این توافق همچنین نمایانگر مشکلات راهبرد تهران نیز هست. هرچند تهران سال‌ها برای جمع کردن ائتلاف و گروه‌های نیابتی در غزه، لبنان، عراق و نقاط دیگر تلاش کرد، در طول مذاکرات سطح بالا، ایران کنار گذاشته‌شد که نشان دهنده نفوذ محدود ایران است. این توافق که در درجه اول توسط ایالات متحده آمریکا و دولت‌های عربی به نتیجه رسید، نشان داد که به‌رغم محوری بودن منازعه فلسطین در شکل دادن دستور کار منطقه‌ای، تهران به صورت یکجانبه نمی‌تواند وضعیت در سرزمین‌های فلسطینی را رقم بزند یا اینکه به عنوان شریکی در تصمیم‌سازی منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد.»

این مقاله که به نوشته المانیتور توسط «خبرنگاری در تهران» نوشته‌شده‌است، تأکید می‌کند: «برای کشوری که خود را مستمراً به عنوان متضمن عدالت و مقاومت در منطقه معرفی می‌کند، غیبت از مذاکرات آتش‌بس افشاگر شکاف در قدرت نرم ایران است و تردیدهایی را در مورد توانمندی این کشور برای ایفای نقش در منازعه‌هایی که منافع ایدئولوژیک دارد، ایجاد می‌کند.»

با این حال فرصت برای تهران از بین نرفته‌است و جمهوری اسلامی غیبت‌های اخیر خود را در فرآیندهای منطقه‌ای، می‌تواند جبران کند. لازمه این کار در پیش گرفتن دیپلماسی فعال و پویا هم‌راستا با موج غالب در منطقه است که باعث می‌شود از طریق ایجاد زمینه‌های مشترک و منافع همسو ایران بار دیگر در چارچوب هماهنگی‌های منطقه‌ای برای آینده فلسطین و غرب آسیا مشارکت داده‌شود.

دیپلمات‌ها



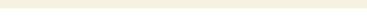
آمادگی ایران برای میانجی‌گری

سخنگوی وزارت امور خارجه در واکنش به تحولات چند روز گذشته بین پاکستان و افغانستان اعلام کرد: آماده هرگونه مساعدت برای کاهش تنش بین دو کشور همسایه و مسلمان است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه با ابراز نگرانی از تحولات چند روز گذشته بین پاکستان و افغانستان، ضرورت احترام متقابل نسبت به تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی هر دو کشور را خاطر‌نشان کرد و خواستار خویشتنداری و شروع فوری گفت‌وگو بین طرفین با هدف کاهش تنش و حل و فصل اختلافات از طریق دیپلماسی شد. سخنگوی وزارت امور خارجه تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران اهمیت اساسی برای حفظ صلح و ثبات در محیط پیرامونی قائل بوده و آماده هرگونه مساعدت برای کاهش تنش بین دو کشور همسایه و مسلمان است.



حمله داعش به ایران از پاکستان برنامهریزی شد

معاون سخنگوی امارت اسلامی (دولت خودخوانده طالبان در افغانستان) با صدور بیانیه‌ای در خصوص درگیری‌های اخیر در مرزهای پاکستان و افغانستان، مدعی شد که پاکستان از مراکز و رهبران داعش در خاک خود میزبانی می‌کند. حمدالله فطرت، معاون سخنگوی امارت اسلامی نوشت: «[پاکستان نسبت] به موجودیت پروژه داعش و مخفیگاه‌های آنان در خاک خودشان چشم‌پوشی کرده‌است که هم امنیت و ثبات افغانستان و همچنان جهان را با آن تهدید می‌نمایند.» این مقام طالبان مدعی شد: «ما به اساس مدارک متوق و معلومات دقیق اطلاعاتی می‌گوییم که حمله انجام‌شده در رویداد سالگرد سردار سلیمانی در تهران و حمله انجام‌شده در مسکو از همین مراکز برنامهریزی، تنظیم و انجام شده‌بود که کشورهای مذکور از آن اطلاع دارند.» ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی امارت اسلامی نیز روز گذشته تأکید کرد: «امارت اسلامی سرزمین خود را از گروه‌های فتنه‌انگیز آزاد کرد و اما بعدش برای آن‌ها مراکز جدیدی در پختونخوا ساخته شد.» وی با بیان این ادعا که «افراد جدیدی برای آموزش به این مراکز از فرودگاه‌های کراچی و اسلام‌آباد آورده شدند. حملات در تهران و مسکو از همین مراکز برنامهریزی شده بودند، افزود: «در افغانستان نیز حملات از همین مراکز طراحی می‌شوند و در این خصوص اسنادی نیز وجود دارد.»



ادامه سر مقاله



ایران ممکن است که این دعوت را اجابت نکند. خطری که تصمیم ایران را در عدم شرکت تهدید می‌کند چیست؟ واقعیت این است که طرح توافق کنونی ممکن است ابتدا خوب پیش برود. فعلاً عقب‌نشینی اسرائیل به‌صورت محدود انجام شده و احتمالاً تا پیش از آمدن ترامپ به قاهره در همین امروز اسیران زنده و کشته دو طرف هم مبادله شوند. گرچه این مرحله هم گام بسیار مهمی است؛ ولی مسائل بسیار مهم‌تری وجود دارد که به این سادگی حل‌شدنی نیست. خلع سلاح حماس و مدیریت جدید در غزه و کمک‌ها به مردم آنجا و بازسازی غزه هر کدام سخت‌تر از این مرحله است. بنابراین، هرکدام سعی می‌کنند تقصیر را متوجه طرف دیگر کنند. در این راه هنگامی که تقصیر را به عهده حماس می‌اندازند، فوری خواهند گفت ایران نمی‌گذارد و مسئولیت را متوجه ایران خواهند کرد؛ درحالی‌که به‌وضوح روشن است که نتانیاهو برای اهداف خودش علاقه‌ای به حل ماجرا ندارد و تنها با این امید که توافق فقط به همین مرحله ختم شود، آن را بپذیرفته است. زیرآ اجرای کامل توافق به معنای شکست در اهداف اعلام‌شده اوست. این توافق می‌تواند فرصت مناسبی برای عبور از بحران منطقه‌ای و نیز انزوای سیاست‌های تخریبی نتانیاهو باشد، پس باید مورد استقبال قرار گیرد. نتانیاهو دنبال کلنگی کردن منطقه است. هر جا را که بتواند چنین کارهای کرد. به همین دلیل، برای برداشتن فشار از روی خودش به دلیل ناتوانی قبلی در آزاد کردن آسرای خود، دنبال نهایی شدن همین گام اول و وزن زیر مراحل بعدی است؛ تا دوباره غزه را اشغال کند. ایران حتی اگر شرکت هم نکند، باید مواضع روشن خود را در این باره تکرار و تأکید کند که خواهان پایان جنگ و صلح در غزه است. دعوت ترامپ برای قرار دادن ایران در یک موقعیت دوگانه است؛ حمایت از صلح و رفتن به شرم‌الشیخ با مخالفت و نرفتن به آنجا است. پس حتی اگر نخواهیم برویم، باید معنای روشن نرفتن را که مخالفت با صلح نیست؛ بلکه حمایت از حق و مفاد تصمیم و سیاست حماس و فلسطینی‌ها هم هست، اعلام کنیم. اما به نظر می‌رسد که حضور و مشارکت، مفیدتر و مؤثرتر است.